وضعیت فقر در استان کرمان: ۱۳۸۵-۱۳۶۸•

مهدی نصرت‌آبادی*، احمد عبدالهی، حسین راغفر***، مسعود صالحی****

مقدمه: *با توجه به اهمیت کاهش فقر درکاهش آسیب‌های اجتماعی، توسعهٔ پایدار یک کشور و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه و از سوی دیگر اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از خدمات و برنامه‌های رفاهی، ضروری است که این پدیده مورد تحقیق علمی قرار گیرد. در هر جامعه‌ای سنجش فقر منجر به درک روند تحولات فقر می‌شود و تصویری منسجم از فقر در طول زمان را ارائه می‌دهد. در نتیجه دولت را قادر به هدف گذاری و اتخاذ تصمیمات و اقدامات لازم می‌نماید. در همین راستا بررسی آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن در سطح استان می‌تواند راهنمایی برای برنامه ریزان در جهت فقرزدایی باشد.*

روش: *در این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوار به اندازه‌گیری شاخص‌های فقر (شاخص‌های گروه FGT) در مناطق شهری و روستایی استان کرمان طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵و مقایسهٔ روند آن‌ها با شاخص‌های متناسب در سطح ملی پرداخته ایم، در این تحقیق از خط فقر مطلق کشوری برای محاسبهٔ شاخص‌ها و از نرم افزارهای stata و spss بهره گرفته شده است.*

یافته‌ها: *به طور کلی روند شاخص‌های فقر هم در مناطق شهری و هم روستایی نزولی بوده است. با استفاده از آزمون t مستقل دریافتیم که میزان و شدت فقر در جامعهٔ روستایی استان بیش‌تر از جامعهٔ شهری بوده است، برای مقایسهٔ شاخص‌های استانی با مقادیر متناسب در سطح ملی از آزمون t دو جامعهٔ وابسته استفاده شد و مشخص گردید که میزان شاخص‌های فقر(هر سه سنجه) در مناطق شهری استان بالاتر از شاخص‌های متناسب در مناطق شهری کشور بود و فرضیهٔ افزایشی بودن شاخص‌های فقر جامعهٔ روستایی استان نسبت به جامعهٔ روستایی کشور تنها برای دو متغیر P0 و P1 مورد تأیید قرار می‌گیرد.*

بحث: *با این که به طور کلی شاخص‌های فقر روندی نزولی داشته‌اند، اما این روند در بعضی سال‌ها با نوسانات زیادی همراه بوده که نشان می‌دهد سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامهٔ استراتژیک و پایدار در استان به کار گرفته نشده و با شناسایی دقیق گروه‌های فقیر و سیاست‌های حمایتی برای آن‌ها همراه نبوده است. بیش‌تر بودن شدت فقر در مناطق روستایی استان لزوم توجه بیش‌تر سیاست‌گذاران به شناسایی فقرا و اختصاص کمک به آن‌ها را می‌طلبد. در انتها با توجه به ویژگی‌های اقتصادی ـ اجتماعی استان پیشنهادهایی برای کاهش فقر در استان ارائه گردیده است.*

کلید واژه‌ها: ***خط فقر، خط فقر مطلق، شاخص FGT.***

تاریخ دریافت: ***۸۸/۴/۶*** ***تاریخ پذیرش:*** ***۹۰/۵/۱۳***

• این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول می‌باشد.

* دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <nosrat.welfare@gmail.com>

** دکتر جامعه شناس، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** دکتر اقتصاد، دانشگاه الزهرا

**** دکتر آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

مقدمه

پدیدهٔ فقر مشکلات اجتماعی و اقتصادی مختلفی را در ابعاد مختلف برای جوامع به بار می‌آورد چرا که این پدیده که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید می‌کند و موجب افزایش مرگ و میر، کاهش متوسط طول عمر، افت کارآیی انسان‌ها و در نهایت بهره‌وری انسان‌ها می‌شود . گسترش پدیدهٔ فقر و نابرابری اجتماعی در جهان در اوایل قرن۱۹ میلادی، اندیشمندان را به تکاپو انداخت تا به ارائهٔ فرضیاتی پیرامون شناسایی علل ایجاد فقر و نابرابری وراه‌های کاستن از عواقب و معضلات ایجاد شدهٔ ناشی از افزایش فقر و نابرابری در توزیع درآمد بپردازند، لذا جوامع با توجه به سطح توسعه یافتگی خود راهبردهای مختلفی چون رشد اقتصادی بدون توجه به بازتوزیع، رشد همراه با بازتوزیع درآمد و .... را اتخاذ نمودند. اما در بسیاری از موارد به خصوص در کشورهای جهان سوم و به دلایل مختلف اثرات توزیعی این راهبردها خیل عظیمی از مردم را برخوردار نساخت و منجر به بروز شکاف‌های اقتصادی اجتماعی و گسترش پدیدهٔ فقر و نابرابری درآمدی گشت.

از آن جا که افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر همواره یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعهٔ اجتماعی اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شود و به عقیدهٔ اقتصاددانان مسئلهٔ فقر با توسعهٔ اقتصادی در همهٔ کشورها رابطهٔ متقابل دارد یعنی برای کاهش فقر رسیدن به حدی از توسعهٔ اقتصادی ضروری است و از سوی دیگر کاهش دادن فقر تضمینی برای توسعهٔ اقتصادی پایدار است، لذا گفته می‌شود که لازمهٔ رسیدن به رشد و توسعهٔ اقتصادی، کاهش فقر است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶)

اولین گام در راه طراحی و اجرای برنامه‌های مقابله با فقر و نابرابری، بررسی میزان اثر گذاری برنامه‌های توسعهٔ کشوری بر میزان و شدت فقر موجود در مناطق شهری و روستایی طی دورهٔ مورد اجرای برنامه‌ها است و با توجه به این که مرور تجارب گذشته و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

بررسی موفقیت و یا عدم موفقیت‌ها در هدفمند نمودن سیاست‌های حمایتی دارای اهمیت است، بنابراین مطالعهٔ روند فقر هر کشوری و در سطوح ناحیه‌ای از اولویت‌ها است که خود گویای میزان توفیق و یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعهٔ آن کشور است.

طرح مسئله

در اوایل دههٔ ۱۹۸۰، به دلیل پذیرش برنامهٔ اصلاح ساختاری، آزاد سازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان، فقر و حمایت از اقشار آسیب پذیر مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از صاحب‌نظران مقولهٔ فقر بر این عقیده بودند که اجرای برنامه‌های اقتصادی مذکور باعث افزایش فقر و نابرابری در توزیع درآمد شده است. در واکنش به چنین وضعی بود که سازمان ملل متحد دههٔ ۱۹۹۰ را دههٔ ریشه کنی فقر نام نهاد و درسال ۱۹۹۶ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ای[1] هدف گذاری کرد که از طریق مشارکت جهانی نیمی از افراد فقیر بتوانند تا سال ۲۰۱۵ از شرایط فقر شدید خارج شوند (خالدی و پرمه ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت کاهش فقر در توسعهٔ پایدار یک کشور و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه و از سوی دیگر اهمیت آن در تعیین افراد واجد شرایط استفاده از خدمات و برنامه‌های رفاهی، ضروری است که این پدیدهٔ مورد تحقیق علمی قرار گیرد.

از آن جا که مطالعهٔ فقر در سطح استان زمینه‌ساز روش مناسبی برای فقرزدایی جهت نیل به توسعهٔ پایدار و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، بنابراین بررسی آماری فقر و تجزیه و تحلیل آن در سطح استان می‌تواند راهنمایی برای برنامه ریزان در جهت فقرزدایی باشد. برای شناسایی هر چه دقیق‌تر افراد فقیر در جامعه به تعریف، تبیین و کاربرد شاخص‌هایی مناسب نیاز است که بتواند وجوه مختلف فقر را به دقت بررسی کند. در طی سال‌های اخیر مطالعات متعددی دربارهٔ فقر و شاخص‌های آن در ایران صورت گرفته است و تمرکز

1- OECD

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

این مطالعات بر محاسبهٔ خط فقر[1] و تعیین درصد افراد فقیر و شکاف فقر[2] بوده، هرچند محاسبات نرخ فقر و شکاف فقر جنبه‌ای از موضوع فقر را به نمایش می‌گذارد، اما واقعیت این است که این شاخص‌ها منعکس کنندهٔ تمامی واقعیت فقر نیستند، از این رو محققان سعی بر آن دارند که فقر را به گونه‌ای اندازه‌گیری کنند که تعداد فقرا، نسبت فقر و شدت فقر را توأماً در نظر گیرند. از این رو در این تحقیق از شاخص**FGT**[3] (شاخص فوستر ـ گریر ـ توربک) که موارد فوق را برآورده می‌سازد و سنجه‌ای حساس به فقر می‌باشد جهت سنجش فقر در نقاط شهری و روستایی استان کرمان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۸ استفاده شده است(این شاخص در جای خود توضیح داده خواهد شد).

روش تحقیق

در این پژوهش توصیفی - تحلیلی با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوار به اندازه‌گیری شاخص‌های فقر (شاخص‌های گروهFGT) در مناطق شهری و روستایی استان کرمان طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵و مقایسهٔ روند آن‌ها با شاخص‌های متناسب در سطح ملی پرداخته ایم، در این مطالعه از شاخص FGT فوستر، گریرو توربک(۱۹۸۴) برای اندازه‌گیری سه سنجهٔ فقر استفاده می‌شود که این سه سنجه عبارتند از: سرشمار فقر p_0، نسبت شکاف درآمدی p_1. سنجهٔ حساس نسبت به فقر p_2.

در این پژوهش از هزینهٔ ناخالص خانوار به عنوان تقریبی به جای در آمد استفاده شده است (به عللی چون ثبات و تداوم و قابلیت اعتماد بیش‌تر در هزینهٔ نسبت به درآمد) و چون اطلاعات مورد استفاده براساس واحد خانوار جمع‌آوری شده است و به دلیل این که مصرف در یک واحد اقتصادی معنای کامل‌تری می‌یابد و الگوی مصرف نیز در خانوار معنادارتر است، خانوار به عنوان واحد مطالعهٔ این تحقیق انتخاب شده است، برای محاسبهٔ شاخص‌ها از نرم افزارهای stata و spss بهره گرفته شده است. فرضیات این تحقیق شامل

1- poverty line 2- poverty gap 3- Foster,Greer,Thorbecke

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

موارد زیر می‌باشند:

- طی سال‌های مورد مطالعه میزان و شدت فقر در خانوارهای روستایی استان کرمان بیش‌تر از خانوارهای شهری بوده است.
- طی سال‌های مورد مطالعه شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان کرمان در مقایسه با شاخص‌های متناسب درسطح ملی از روندی افزایشی برخوردار بوده‌اند.
- طی سال‌های مورد مطالعه شاخص‌های فقر در مناطق روستایی استان کرمان در مقایسه با شاخص‌های متناسب درسطح ملی از روندی افزایشی برخوردار بوده‌اند.

مفاهیم و چارچوب مفهومی تحقیق

فقر مطلق و نسبی و خطوط فقر

بوث و راونتری[1] به عنوان دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در اواخر قرن ۱۹، تلاش فراوانی جهت ارائهٔ تعریف مناسبی از فقر کردند. آن‌ها فقر مطلق[2] و نسبی[3] را متفاوت با هم می‌دانستند. فقر مطلق به صورت محرومیت یا ناتوانی در کسب حداقل نیارهای اساسی برای زندگی تعریف شده است. پس تعریف فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف این سطح حداقل دارد. آمارتیا سن به عنوان مهم‌ترین مدافع فقر مطلق شناخته شده است، او می‌گوید یک میزان غیر قابل تقلیل فقر در مفهوم فقر نهفته است که گرسنگی، سوء تغذیه، سختی و مشقت آشکار را به فقر تعبیر می‌کند بدون این که ابتدا از تعریف نسبی آن اطمینان حاصل نمایید (باقری و کاوند ۱۳۸۳).

گفته می‌شود که نگرش محرومیت نسبی[4] سن بیش‌تر مکمل صحبت فقر مطلق است تا این که جانشین آن باشد. همین طور براساس نظر سن فقر در فضای قابلیت‌ها یک مفهوم مطلق است اما اغلب در فضای کالاها و خصوصیات شکل نسبی به خود می‌گیرد. بنابراین به عقیدهٔ او اگر مسئلهٔ فقر را به این صورت در نظر بگیریم هیچ گونه تعارضی بین هستهٔ مطلق

1- Booth&Rowntree
2- absolute poverty
3- relative poverty
4- relative deprivation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

فقر (مربوط به قابلیت‌ها و سطح زندگی) ونسبی بودن فقر وجود نخواهد داشت (سن، ۱۳۸۲). عموماً عنوان می‌شود که مفهوم فقر نسبی برای کشورهای در حال توسعه مناسب نیست، زیرا در این کشورها عموماً حصول اطمینان از این که کسی در جامعه زیر حداقل سطح قابل قبول زندگی نمی‌کند مد نظر است که این همان مفهوم مطلق فقر را می‌رساند.

حداقل قابل قبول در تعریف خط فقر منجر به ایجاد دو مفهوم فقر مطلق و نسبی می‌شود، حال با توجه به این که فقر در مفهوم مطلق یا نسبی آن بررسی شود خط فقر نیز به دو روش مطلق یا نسبی محاسبه می‌شود. انتخاب هر یک از این دو روش حائز اهمیت است چرا که شاخص‌های فقر مبتنی بر هر یک حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی اجتماعی از خود نشان می‌دهند.

یکی از تعاریف برای خط فقر مطلق این گونه است که خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که برای تأمین حداقل نیازهای فردی (خوراکی و غیر خوراکی) در یک جامعه لازم است و عدم تأمین آن موجب می‌شود فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود. و خط فقر نسبی عموماً به صورت درصد معینی از میانهٔ توزیع درآمد(هزینه) جامعه در نظر گرفته می‌شود و افرادی که درآمد آن‌ها پایین‌تر از این آستانه قرار می‌گیرند، فقیر محسوب می‌شوند (راولیون، ۱۹۹۸).

در رابطه با اندازه‌گیری خط فقر باید گفت که شاید یکی از پر مناقشه‌ترین موضوعات در اقتصاد رفاه موضوع سنجش و اندازه‌گیری خط فقر باشد. چندین روش متفاوت برای اندازه‌گیری خط فقر مطلق و خط فقر نسبی وجود دارد.

اندازه‌گیری خط فقر مطلق

بر اساس نظر سن اندازه‌گیری فقر به دو مقولهٔ اساسی تقسیم می‌شود که عبارتند از: شناسایی[1] که مشخص می‌کند چه کسانی فقیرند و تجمیع[2] که در قالب تابع اندازه‌گیری

1- identification 2- aggregation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

فقر، میزان فقر آحاد مختلف جمعیت را با یکدیگر جمع می‌کند و به صورت یک عدد بیان می‌کند.

با نگاهی به مطالعات فقر به روش‌های متنوعی برای اندازه‌گیری خط فقر مطلق بر می‌خوریم که می‌توان این روش‌ها را به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد ۱)روش‌های مبتنی بر رویکرد نیازهای غذایی ۲) روش‌های مبتنی بر رویکرد نیازهای اساسی.

رویکرد نیازهای اساسی رویکرد جامعی است که بر خلاف روش رویکرد نیازهای غذایی که در آن فقیرکسی است که به غذای کافی دسترسی نداشته باشد، در رویکرد نیازهای اساسی خط فقر به صورت مجموع هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی تعیین شده، در سبد مصارف اولیه تعریف می‌شود. بنابراین خط فقر از دو بخش خوراکی و غیرخوراکی تعیین شده است.

با توجه به مطالب گفته شده در مقالهٔ حاضر از خط فقر مطلق کشوری که بر اساس رویکرد نیازهای اساسی توسط ابراهیمی (ابراهیمی، ۱۳۸۴) محاسبه گردیده، استفاده شده است. به این منظور خط فقر به دو مؤلفهٔ نیازهای غذایی و غیر غذایی تقسیم شد. در ابتدا حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین حداقل نیازهای غذایی هر فرد در جامعه محاسبه شد. سپس هزینهٔ حداقل نیازهای غیر غذایی به آن افزوده شد. برای تعیین نیازهای غذایی از سبد مطلوب غذایی دفتر بهبود تغذیهٔ وزارت بهداشت استفاده و سپس ارزش پولی این سبد بر طبق قیمت‌های رایج تخمین زده شد (با در نظر گرفتن میانگین قیمت واحد هر یک از کالاهای موجود در سبد غذایی درسال پایه یعنی سال ۷۶ برای خانوارهای شهری) سپس با استفاده از شاخص‌های کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری که توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود، تغییرات قیمت سال‌های دیگر اعمال شد، (چون این شاخص‌ها در ایران برای مناطق روستایی تعیین نمی‌شود برای تمامی سال‌ها میانگین قیمت واحد برای کالاهای موجود در سبد مطلوب غذایی محاسبه شد). برای اضافه نمودن حداقل هزینهٔ غیر غذایی در آن پژوهش از روش ارشانسکی استفاده شده(که مبتنی بر قانون انگل است)است،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

به این منظور و جهت برآوردن مسئلهٔ سازگاری(خانوارهای با ابعاد مختلف) با به کارگیری شاخص‌های مقیاس‌های معادل برای هر یک از سال‌های مورد مطالعه و به تفکیک شهری و روستایی، نسبت هزینهٔ ناخالص واقعی ۴۰ درصد پایینی خانوارهای دو نفره (تعدیل شده بر اساس یارانه مصرفی) به خط فقرغذایی دو نفره تقسیم گردید و برای خانوارهایی که این نسبت برایشان بین ۰/۹ و ۱/۱ بود، میانگین هندسی نسبت هزینهٔ غذا به کل مخارج محاسبه گردید. سپس معکوس این عدد در خط فقر دو نفره ضرب گردید تا خط فقر کل خانوار دو نفره به دست آید.

در مطالعهٔ حاضر از خط فقر خانوارهای پنج نفره برای سال‌های تحقیق استفاده شد و سپس برای تعیین خطوط فقر دیگر ابعاد خانوارها (به تفکیک شهری و روستایی) از مقیاس معادل خانوار که در پژوهش عرب نژاد(عرب نژاد، ۱۳۸۵) به کار گرفته شده، استفاده شد (با کمک نرم افزار STATA)

شاخص فوستر، گریر و توربک(FGT)

پس از بحث شناسایی که مستلزم شناخت خط فقر بود به بحث تجمیع پرداخته می‌شود.

شاخص FGT در سال‌های اخیر کاربرد زیادی پیدا کرده است و بیش‌ترین اصول موضوعه را فراهم می‌کند. این محققین به دنبال شاخصی بودند که توسط آن بتوان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را با هم جمع نموده و به میزان واحدی از فقر در کلی جمعیت یابند (این شاخص‌ها، شاخص‌های به طور جمعی تجزیه پذیر[1] نامیده می‌شوند) و در عین حال اصول موضوعهٔ سن را نقض ننمایند و همچنین با مفهوم نسبی فقر سازگار باشند. فرمول اصلی محاسبهٔ این شاخص چنین است:

$$F_{(\alpha)} = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{g_i}{z}\right)^{\alpha}$$

1- decomposable

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

که در آن g_i شکاف فقر فرد i ام، z خط فقر، q تعداد افراد فقیر (با توجه به خط فقر z و n کل جمعیت می‌باشد (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶).

در این شاخص فقر اساساً تابعی از شکاف فقر تلقی می‌شود که به توان آلفا رسانده شده است، α به عنوان درجهٔ انزجار از فقر[1] شناخته می‌شود(درجهٔ اهمیت نسبت به شکاف فقر را نشان می‌دهد) که از علاقهٔ محقق به عمق فقر یا تفاوت خط فقر با متوسط درآمد حکایت دارد. این شاخص مجموع وزن داده شدهٔ نسبت‌های شکاف فقر فقرا است. در مقایسه با شاخص سن، وزن‌ها متکی بر رتبه‌بندی فقرا نیستند بلکه بر طبق نسبت‌های شکاف فقر خودشان هستند به عبارت دیگر سهم هر فرد در سنجهٔ فقر تنها مربوط به فاصلهٔ بین درآمدش و خط فقر است و نه تعداد افرادی که بین او و خط فقر قرار دارند . (Shorocks, Foster, 1988)

هر گاه $\alpha = ۰$ باشد به فرمول $F_{(۰)} = H$ می‌رسیم که همان نسبت سرشمار است و نسبت اشخاص دارای درآمد زیر خط فقر را به کل افراد جامعه را نشان می‌دهد و هر گاه $\alpha = ۱$ باشد $F_{(۱)}$ برابر HG می‌شود که همان نسبت شکاف درآمدی است که با تعداد افراد جامعه تعدیل شده است. اما اگر $\alpha = ۲$ باشد بیان‌گر تخصیص وزن بیش‌تر به فقیرترین فقرا (شدت فقر است) که در این حالت داریم:

$$F_{(۲)} = H[G^۲ + (۱-G)^۲ c_p{}^۲]$$

که در آن C_P ضریب تغییر یا دگرگونی درآمد میان افراد فقیر، G نسبت شکاف درآمدی و $F_{(۲)}$ حساسیت به عمق فقر است. ویژگی اصلی شاخص $F_{(۲)}$ در این است که بیش‌ترین وزن متوجه خانوارهایی می‌گردد که از خط فقر فاصلهٔ زیادی دارند. از این رو هر چه فاصلهٔ خانوارها در جامعه از خط فقر افزایش یابد (توزیع درآمد ناعادلانه‌تر شود) این شاخص افزایش می‌یابد. این احتمال نیز وجود دارد که در دو گروه مختلف شاخص شکاف فقر یکسان باشد . بر اساس شاخص $F_{(۲)}$، فقر در جامعه‌ای بیش‌تر است که در آن

1- degree of poverty aversion

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

تعداد اعضایی که از خط فقر فاصلهٔ زیادی دارند به نسبت بیش‌تر است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که گروه عمدهٔ مورد نظر این شاخص فقیرترین فقرا هستند. این شاخص در متون مربوط به فقر «شدت فقر[1]» نیز خوانده می‌شود. (عرب مازار و حسینی نژ اد، ۱۳۸۳).

همچنین شاخص P_α برای $\alpha > ۰$ اصل یکنوایی[2]، برای $\alpha > ۱$ اصل انتقال[3] و برای $\alpha > ۲$ اصل حساسیت انتقال[4] را رعایت می‌کند(این اصل می‌گوید اگر انتقال درآمدی از یک خانوار فقیر با درآمد y_i به خانوار فقیر دیگری با درآمد $y_i + d$ اتفاق افتد، آنگاه میزان افزایش فقر برای y_i بزرگ‌تر باید کوچک‌تر باشد.)

پیشینه مطالعه

مطالعه‌ای توسط محمد حسن طرازکار و دکتر منصور زیبایی تحت عنوان بررسی معیارهای رفاه اجتماعی توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری استان‌های فارس، اصفهان و سمنان در سال ۷۹ صورت گرفت. آن‌ها در این مطالعه با استفاده از آمارهای هزینه و درآمد خانوار به محاسبهٔ شاخص‌های گوناگون فقر و توزیع درآمد از جمله FGT، سن، شاخص تایل و آتکینسون برای خانوارهای روستایی و شهری این سه استان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که توزیع ناعادلانهٔ درآمد و شکاف فقر در مناطق روستایی بیش‌تر از مناطق شهری است، همچنین سطح رفاه خانوارهای روستایی هر استان در مقایسه با مناطق شهری همان استان پایین‌تر است (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳).

در تحقیقی راغفر و ابراهیمی تحت عنوان فقر در ایران طی سال‌های ۸۳-۶۸، با اندازه‌گیری خط فقر مطلق مناطق شهری و روستایی بر اساس رویکرد حداقل نیازهای اساسی، به محاسبهٔ شاخص‌های گروه فوستر، گریر و توربک برای مقادیر مختلف α برای هر یک از سال‌های مورد بررسی (به تفکیک شهر و روستا)پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که طی دورهٔ مورد بررسی میزان شاخص‌های فقر در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است. همچنین روند کلی شاخص‌ها هم در فقر شهری و هم روستایی نزولی بوده

1- severity of poverty
2- monotonicitr axiom
3- transfer axiom
4- transfer sensitivity ax

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

است این امر بدان معنا است که درصد جمعیت زیر خط فقر، شکاف فقر و شدت فقر طی سال‌های مورد بررسی کاهش یافته است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶).

در استان کرمان تا کنون تحقیقی جامع در زمینهٔ اندازه‌گیری روند شاخص‌های فقرصورت نگرفته است، در یکی از معدود تحقیقات بر اساس مطالعهٔ بانک جهانی پیرامون روند فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، نرخ فقر به تفکیک استان و منطقه‌ای در سال۱۳۷۹ آورده شده است. بر این اساس در این سال میزان نرخ فقر در مناطق شهری استان کرمان ۱۸ درصد بوده است که ۳ درصد از کل فقر کشور را شامل می‌شده است، در مناطق روستایی درصد جمعیت فقیر از کل جمعیت روستایی در این سال ۴۳ درصد بوده که ۵ درصد از نرخ فقر روستایی کشور را دارا بوده است. در تحقیق فوق سایر شاخص‌های سنجش فقر مانند نسبت شکاف درآمد و سنجهٔ حساس به فقر سنجیده نشده بود(بانک جهانی، ۱۳۸۲)

در تحقیق حاضر از خط فقر مطلق شهری و روستایی محاسبه شده کشوری برای هریک از سال‌های مورد مطالعه جهت اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در دو حوزهٔ شهری و روستایی استان کرمان استفاده شده است. در مورد شاخص‌های فقر در این تحقیق از یکی از قوی‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های فقر یعنی شاخص FGT (فوستر، گریر وتوربک) برای واکاوی ابعاد مختلف فقر در نقاط شهری و روستایی و در طول سال‌های مورد بررسی استفاده شده است. لازم به ذکر است که تا کنون در استان کرمان تحقیقی در زمینهٔ اندازه‌گیری ابعاد مختلف این شاخص به صورت جداگانه در شهر و روستا و تجزیه و تحلیل روند آن در طول سال‌های اجرای برنامه‌های توسعه صورت نگرفته است و دراین تحقیق در صدد انجام این مهم برآمدیم.

مطالعهٔ حاضر علاوه بر محاسبهٔ شاخص‌های فوق، به محاسبهٔ این شاخص‌ها در دو سال نخست برنامهٔ چهارم نیز پرداخته است، شاخص‌های فقرکشوری که برای مقایسهٔ با شاخص‌های استانی در این مطالعه آورده شده مربوط به مطالعهٔ فوق(راغفر و ابراهیمی)می باشند. به علاوه در این مطالعه از آزمون‌های آماری جهت مقایسهٔ شاخص‌های فقر در استان کرمان با شاخص‌های متناسب کشوری بهره گرفته شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

یافته‌های تحقیق

شاخص‌های فقردر مناطق شهری و روستایی استان کرمان

جدول زیر محاسبات شاخص‌هایFGT در مناطق شـهری و روسـتایی اسـتان کرمـان طـی دورهٔ ۱۳۸۵-۱۳۶۸ را نشان می‌دهد:

جدول۱: وضعیت تغییرات شاخص‌های فقر در استان کرمان

سال	مقدار شاخص در مناطق شهری			مقدار شاخص در مناطق روستایی		
	P0	P1	P2	P0	P1	P2
۱۳۶۸	۰/۴۶	۰/۱۹	۰/۱	۰/۵۶	۰/۱۹	۰/۰۹
۱۳۶۹	۰/۴۶	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۶۱	۰/۲۸	۰/۱۶
۱۳۷۰	۰/۳۱	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۵۶	۰/۲۳	۰/۱۱
۱۳۷۱	۰/۴۵	۰/۱۸	۰/۰۹	۰/۶۸	۰/۳۵	۰/۲۲
۱۳۷۲	۰/۲۷	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۱۰
۱۳۷۳	۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۴۲	۰/۱۴	۰/۰۶
۱۳۷۴	۰/۴۳	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۴۵	۰/۱۸	۰/۰۹
۱۳۷۵	۰/۳۹	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۵۰	۰/۱۸	۰/۰۹
۱۳۷۶	۰/۵۱	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۴۷	۰/۱۷	۰/۰۹
۱۳۷۷	۰/۴۷	۰/۰۱۶	۰/۰۸	۰/۵۴	۰/۲۳	۰/۱۲
۱۳۷۸	۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۴۶	۰/۱۹	۰/۱۰
۱۳۷۹	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۴۰	۰/۱۳	۰/۰۶
۱۳۸۰	۰/۲۷	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۳۹	۰/۱۳	۰/۰۵
۱۳۸۱	۰/۲۷	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۴۱	۰/۱۳	۰/۰۵
۱۳۸۲	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۳۴	۰/۱۰	۰/۰۴
۱۳۸۳	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۰۳
۱۳۸۴	۰/۲۵	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۰۴
۱۳۸۵	۰/۲۹	۰/۰۹۸	۰/۰۴	۰/۳۶	۰/۱۰	۰/۰۴

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

مناطق شهری استان کرمان

با توجه با جدول ۱ و نمودار۱شاخص P0 (جمعیت زیر خط فقر) به طور کلی از سال ۶۸ تا ۸۵ روندی نزولی داشته (از ۰/۴۶درصد در سال ۶۸ به ۰/۲۹ درصد در سال ۸۵) این شاخص در سال ۷۶ به بیش‌ترین حد خود یعنی ۰/۵۱رسید، یعنی در این سال جمعیت زیر خط فقر ۵۱ درصد بوده است. کم‌ترین اندازهٔ این شاخص مربوط به سال ۷۸ بوده که جمعیت زیر خط فقر در این سال ۲۲ درصد بوده است. شاخص‌های P1 و P2 که نمایان‌گر شدت فقر موجود در جامعه اند(به ترتیب نسبت شکاف درآمدی و سنجهٔ حساس به فقر) نیز به طور کلی روندی نزولی داشته‌اند (هر چند با نوسانات کم‌تری از شاخص P0). بیش‌ترین اندازهٔ هر دو شاخص در سال ۷۶ بوده (به ترتیب ۰/۲ و ۰/۱ درصد) وکم‌ترین اندازهٔ این دو شاخص مربوط به سال ۷۸ (به ترتیب ۰/۰۷۲ و ۰/۰۳۱ درصد) بوده است.

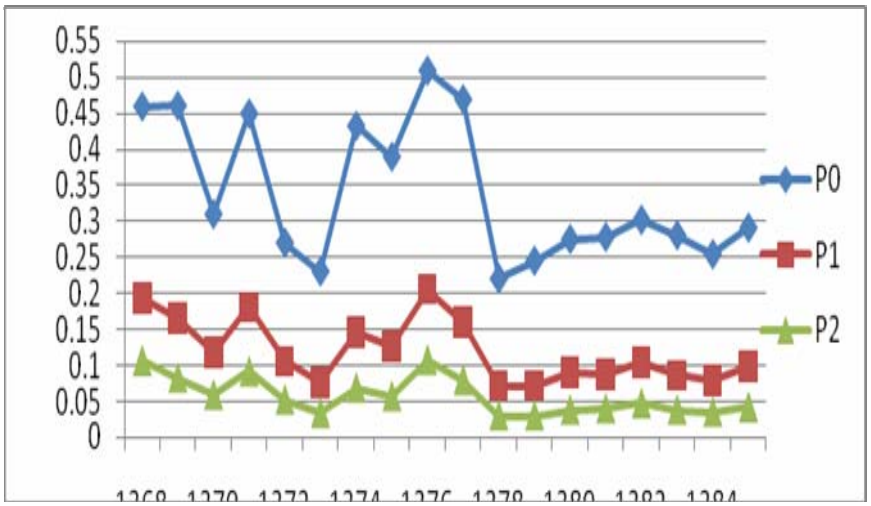

نمودار۱: روند تغییرات شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان کرمان(۱۳۸۵-

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

مناطق روستایی استان کرمان

با توجه به جدول۱و نمودار ۲ در می‌یابیم که روند شاخص P0 (جمعیت زیر خط فقر) در مناطق روستایی استان کرمان به طور کلی کاهنده است، اما با نوسانات زیادی همراه می‌باشد، بیش‌ترین میزان این شاخص مربوط به سال ۷۱ است که در این سال ۶۸ درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق بوده‌اند و بعد از این سال روند شاخص نامنظم است و کم‌ترین میزان آن سال ۸۳(با میزان ۰/۲۵) می‌باشد. شاخص‌های P1 و P2 که نمایان‌گر شدت فقر موجود درجامعه اند(به ترتیب نسبت شکاف درآمدی و سنجهٔ حساس به فقر) نیز روندی نامنظم داشته‌اند. اما نسبت به شاخص P0 از نوسانات کم‌تری برخوردادند شاخص P1 و P2 دارای بیش‌ترین حد خود در سال ۷۱ می‌باشد(به ترتیب۰/۳۵و۰/۲۲) و کم‌ترین اندازهٔ P1 مربوط به سال ۸۳ (۰/۰۸) و برای P2 مربوط به سال ۷۳ (۰/۰۳۵) بوده است.

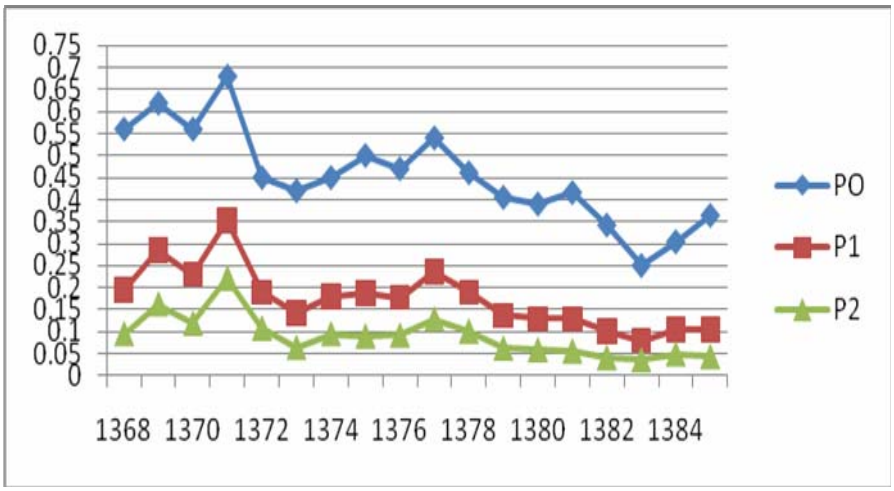

نمودار۲: روند تغییرات شاخص‌های فقر در مناطق روستایی استان کرمان(۱۳۸۵-۱۳۶۸)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

به کارگیری آزمون‌های آماری برای فرضیات تحقیق

مقایسهٔ شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمان با استفاده از آزمون برابری میانگین دو جامعهٔ مستقل

به منظور مقایسهٔ میانگین شاخص‌های فقر در نقاط شهری و روستایی استان کرمان(آزمون فرضیهٔ اول) در دورهٔ مورد نظر، با توجه به نتایج آزمون نرمال بودن از آزمون‌های مناسب T مستقل و U من ویتنی استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر ارائه شده اند:

جدول ۲: مقایسهٔ آماری میانگین شاخص‌های فقر در نقاط شهری و روستایی استان کرمان

متغیر	شهر		روستا		مقدار احتمال
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
P0	۰/۳۴	۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۱	۰/۰۱
P1	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۰۳
P2	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۱۵

با توجه به جدول ۴-۶، از آزمون t برابری میانگین دو جامعهٔ مستقل برای متغیرهای P0 و P2 (با توجه به نرمال بودنشان) استفاده شد، با توجه به مقدار احتمال این دو متغیر(کوچک‌تر از ۰/۰۵) در می‌یابیم که فرض برابر بودن دو میانگین شهر و روستا رد می‌شود و چون در هر دو این متغیرها میانگین جامعهٔ روستایی بزرگ‌تر است می‌توان اظهار نظر کرد که فرضیهٔ بیش‌تر بودن جمعیت زیر خط فقر(P0) (p=۰/۰۱) و سنجهٔ حساس به فقر (P2) (p= ۰/۰۱۵) جامعهٔ روستایی از جامعهٔ شهری تأیید می‌گردد.

چون متغیر P1(سنجهٔ حساس نسبت به فقر) نرمال نبود، برای بررسی میانگین دو جامعهٔ شهری و روستایی این متغیر از آزمون U من ویتنی استفاده شد. با توجه به مقدار احتمال این متغیر (p=۰/۰۳) می‌توان اظهار داشت که فرضیهٔ بیش‌تر بودن نسبت شکاف درآمدی (P1) جامعهٔ روستایی از جامعهٔ شهری تأیید می‌گردد. بنابراین میزان و شدت فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

در خانوارهای روستایی استان کرمان بیش‌تر از خانوارهای شهری بوده، لذا فرضیهٔ اول ما تأیید می‌شود.

مقایسهٔ(آماری) شاخص نسبت سرشمار، نسبت شکاف درآمدی و سنجهٔ حساس به فقر، (P0, P2 P1,) در مناطق شهری استان کرمان و کشور

به منظور مقایسهٔ میانگین شاخص‌های فقر در نقاط شهری استان کرمان و کشور(آزمون اولین بعد فرضیهٔ سوم) در دورهٔ مورد نظر، با توجه به نتایج آزمون نرمالیتی از آزمون T دو جامعهٔ وابسته و ویلکاکسون استفاده شد، نتایج حاصل در جدول زیر ارائه شده اند:

جدول ۳: مقایسهٔ آماری میانگین شاخص‌های فقر در نقاط شهری استان کرمان و کشور

متغیر	مناطق شهری استان		مناطق شهری کشور		مقدار احتمال
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
P0	۰/۳۴	۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۰۶	۰/۰۳
P1	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۱۵
P2	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۲

با توجه به جدول۳، از آزمون برابری میانگین دو جامعهٔ وابسته (آزمون t دو به دو) برای متغیرهای P0 و P2 (با توجه به نرمال بودنشان) استفاده شد، با توجه به مقدار احتمال این دو متغیر(به ترتیب ۰/۰۳ =p و ۰/۰۲ =p) در می‌یابیم که فرض برابر بودن دو میانگین شهری استان و کشور برای این دو متغیر رد می‌شود. چون در این دو متغیر میانگین جامعهٔ شهری استان بزرگ‌تر از جامعهٔ شهری کشور است می‌توان اظهار نظر کرد که فرضیهٔ بیش‌تر بودن جمعیت زیر خط فقر(P0) و سنجهٔ حساس به فقر (P2) جامعهٔ شهری استان کرمان از جامعهٔ شهری کشور تایید می‌گردد. چون متغیر P1(نسبت شکاف درآمدی) نرمال نبود، برای بررسی میانگین دو جامعهٔ شهری استان کرمان و کشور این متغیر از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. با توجه به مقدار احتمال این متغیر (p=۰/۰۱۵) می‌توان اظهار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

داشت که فرضیهٔ بیش‌تر بودن نسبت شکاف درآمدی (P1) جامعهٔ شهری استان کرمان از جامعهٔ شهری کشور تأیید می‌گردد.

بنابراین فرضیهٔ دوم تحقیق مبنی برافزایشی بودن شاخص‌های فقر جامعهٔ شهری استان نسبت به جامعهٔ شهری کشور) مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مقایسهٔ(آماری) شاخص نسبت سرشمار، نسبت شکاف درآمدی و سنجهٔ حساس به فقر، (P0 P2 ,P1) در مناطق روستایی استان کرمان و کشور

به منظور مقایسهٔ میانگین شاخص‌های فقر در نقاط روستایی استان کرمان و کشور(آزمون فرضیه سوم) در دورهٔ مورد نظر، با توجه به نتایج آزمون نرمالیتی از آزمون T دو جامعهٔ وابسته استفاده شد، نتایج حاصل در جدول زیر ارائه شده‌اند:

جدول۴: مقایسهٔ آماری میانگین شاخص‌های فقر در نقاط روستایی استان کرمان و کشور

متغیر	مناطق روستایی استان		مناطق روستایی کشور		مقدار احتمال
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
P0	۰/۴۵	۰/۱	۰/۳۹	۰/۰۹	۰/۰۰۰
P1	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۰۰۴
P2	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۶

با توجه به جدول۴، از آزمون برابری میانگین دو جامعهٔ وابسته (آزمون t دو به دو) برای متغیرهای P0 P1 و P2 (با توجه به نرمال بودنشان) استفاده شد، با توجه به مقداراحتمال این متغیرها می‌توان این موارد را مطرح کرد: متغیر P0 دارای احتمال معنادار است (p=۰/۰۰۰) است بنابراین فرض برابر بودن دو میانگین روستایی استان و کشور رد می‌شود، و چون میانگین جامعهٔ روستایی استان از جامعهٔ روستایی کشور بیش‌تر است فرض تحقیق مبنی بر بیش‌تر بودن (افزایشی بودن) روند جمعیت زیر خط فقر مناطق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

روستایی استان نسبت به مناطق روستایی کشور تایید می‌شود. متغیر P1 نیـز دارای احتمـال معنادار است(p=۰/۰۰۴) است بنابراین فرض برابر بـودن دو میـانگین روسـتایی اسـتان و کشور رد می‌شود و چون میانگین جامعهٔ روستایی استان از جامعهٔ روستایی کشور بیش‌تـر است فرض تحقیق مبنی بر بیش‌تربودن(افزایشی بودن) روند نسبت شکاف درآمدی مناطق روستایی استان نسبت به مناطق روستایی کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد. متغیرP2 معنـادار نیست (p=۰/۰۶) بنابراین فرض برابر بودن دو میانگین روستایی استان و کشور برای متغیر P2رد نمی‌شود، در نتیجه فرضیهٔ افزایشی بودن روند سنجهٔ حـساس بـه فقـر (P2) جامعـهٔ روستایی استان کرمان از جامعهٔ روسـتایی کـشور در مـورد ایـن متغیـر مـورد تأییـد قـرار نمی‌گیرد، بنابراین فرضیهٔ سوم تحقیق (افزایشی بودن شاخص‌هـای فقـر جامعـهٔ روسـتایی استان نسبت به جامعه روستایی کـشور) تنهـا بـرای دو متغیـر P0 و P1 مـورد تأییـد قـرار می‌گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که میزان و شدت فقر در خانوارهای روستایی استان کرمان بـیش‌تـر از خانوارهای شهری استان بوده است، و هر سه سنجهٔ فقر(شاخص نسبت سرشمار، نسبت شکاف درآمدی و سنجهٔ حساس به فقـر، (P1, P0, P2) در منـاطق شـهری اسـتان کرمـان نسبت به مناطق شهری کشور از روندی افزایشی در طی دورهٔ مورد نظر برخوردار بوده‌اند، نتایج تحقیقی نشان داد که در دورهٔ مورد نظر از نظـر آمـاری رونـد شـاخص‌هـای نـسبت سرشمار و نسبت شکاف درآمدی فقر در مناطق روستایی استان بیش‌تر از مناطق روسـتایی کشور بوده است ودر مورد متغیر P2(سنجهٔ حساس به فقر) این روند معنادار نبود.

اینک به بررسی و تحلیل روند شاخص‌های فقر استان کرمـان بـر اسـاس برنامـه‌هـای توسعهٔ کشوری می‌پردازیم:

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

در طول سال‌های برنامهٔ اول توسعه (۷۳-۶۸) با توجه به روند صعودی شاخص‌های فقر به خصوص در مناطق روستایی و بالاتر بودن میزان این شاخص‌ها در مناطق روستایی نسبت به شهری استان مشخص است که اقشار بیش‌تری از مردم در مناطق روستایی زیر خط فقر قرار گرفته‌اند که به دلیل فاصله‌گیری دولت از سیاست‌های حمایت گرایانهٔ اقشار فقیر روستایی کم‌تر از مواهب رشد بهره مند شده‌اند، نوسانات زیاد و بالا بودن میزان شاخص‌ها در بعضی سال‌ها نشان دهندهٔ این امر است که سیاست‌های کاهش فقر در طول برنامهٔ اول به صورت منظم و پایداری اجرا نشده‌اند. افزایش شکاف و شدت فقر در مناطق روستایی در این سال‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی و یا سازوکارهای تعبیه شده برای کاهش فقر نتوانسته در این دوره موفق عمل کنند.

در دوران اجرای برنامهٔ دوم توسعه (۷۸-۷۴) نیز سیاست‌های کلی برنامهٔ اول دنبال شد، روند مشخصی در شاخص‌های فقر استان وجود نداشته و این شاخص‌ها به ویژه در مناطق شهری استان با فراز و نشیب همراه بوده‌اند. در این دوره (در مقایسهٔ با برنامه اول) میزان شاخص‌ها با کاهش همراه بوده و همانند برنامهٔ اول در این دوره نیز شاخص‌های فقر در مناطق روستایی استان بالاتر از مناطق شهری بوده‌اند و به طور کلی روندی افزایشی داشته‌اند.

در طول برنامهٔ سوم توسعه(۸۳-۷۹) به طور کلی شاهد روند افزایش در درصد و شدت فقر در مناطق شهری استان می‌باشیم و این در حالی است که در مناطق روستایی استان درصد و شدت فقر روند کاهشی داشته است البته در سال پایانی برنامهٔ توسعه (سال ۸۳) شاخص‌های فقر در مناطق شهری نیز با کاهش روبه رو بوده‌اند. روند کاهش فقر در مناطق روستایی استان می‌تواند بدین معنا باشد که برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌گذاری‌های استانی در این نواحی توانسته‌اند به صورتی مؤثر ضمن کاهش درصد فقرا، (۱) فاصلهٔ آن‌ها را از خط فقر بکاهد و (۲) این که توزیع درآمد میان فقرا را نیز بهبود بخشیده است و سیاست‌ها و خط مشی‌های برنامهٔ سوم توسعه همچون هدفمند کردن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

یارانه‌ها در جهت حمایت از اقشار آسیب پذیر، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای گروه‌های خاص و نیازمند توانسته در مناطق روستایی استان تأثیرگذار باشد و موجبات کاهش درصد و شدت فقر را فراهم سازد. در مناطق شهری(به جز سال پایانی برنامه) در سال‌های قبل میزان فقر افزایش داشته است که این امر نشان می‌دهد سیاست‌های کاهش فقر به صورت یک برنامهٔ استراتژیک و پایدار در طول برنامهٔ توسعه در استان به کار گرفته نشده و با شناسایی دقیق گروه‌های فقیر و سیاست‌های حمایتی برای آن‌ها همراه نبوده است.

دو سال ابتدایی برنامهٔ چهارم توسعه(سال‌های ۸۵ و۸۴) با افزایش در درصد و شدت فقر هم در مناطق شهری و هم مناطق روستایی استان همراه بوده است. ، این در حالی است که در این دوره شمار بیش‌تری از جمعیت شهری و روستایی به زیر خط فقر رفته‌اند و وضعیت افرادی که فاصلهٔ بیش‌تری از خط فقر داشته‌اند نیز بدتر شده است، سیاست‌ها به سمت برابری بیش‌تر و توزیع عادلانه‌تر درآمد جهت‌گیری نشده‌اند که شاید بتوان یکی از دلایل آن را تخصیص بی‌هدف اعتبارات و یارانه‌ها دانست.

راهکارهای کاهش فقر در استان کرمان با توجه به ویژگی‌های اقتصادی ـ اجتماعی استان:

به‌طورکلی شاخص‌های فقر در استان کرمان طی برنامه‌های توسعه روندی نزولی داشته‌اند، اما این روند در بعضی سال‌ها با نوسانات زیادی همراه بوده همچنین میزان و شدت فقر در مناطق روستایی استان بیش‌تر از مناطق شهری بوده است. از جمله علل دیگر این نوسانات از سالی به سال دیگر می‌تواند این امر باشد که نمونه‌های آماری مورد پیمایش از یک سال به سال دیگر تغییر می‌کنند و داده‌های مصرف و درآمد خانوارهای متفاوتی در محاسبات لحاظ شده است.

استان کرمان به عنوان پهناورترین استان کشور دارای قابلیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی زیادی برای برون رفت از دامنه است، وجود معادن و ذخایر عظیم معدنی در استان، وجود

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

مناطق ویژهٔ اقتصادی، حاصلخیزی خاک دشت‌های استان و از همه مهم‌تر ظرفیت سرمایهٔ انسانی در استان از جمله نقاط قوت استان کرمان می‌باشند، اما از طرف دیگر عدم وجود صنایع تولیدی واشتغال زا، وجود شبکه‌های قاچاق مواد مخدر و مشاغل کاذب، فقدان فرصت‌های شغلی مناسب و بیکاری فزاینده، عدم وجود فن‌آوری مناسب در بخش کشاورزی، توزیع نامناسب فرصت‌های آموزشی، بهداشت و تغذیهٔ ضعیف و وجود مخاطرات طبیعی چون سیل، زلزله و سرمازدگی محصولات کشاورزی در منطقه سبب شده که استان کرمان و به خصوص مناطق جنوبی استان یکی از محروم‌ترین مناطق کشور با بالاترین میزان‌های فقر و نابرابری درکشور را دارا باشد .

با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد راهکارها و پیشنهادهای زیر بتواند در کاستن از فقر در استان کرمان مفید باشد:

- عادلانه‌تر شدن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم استان از یارانه‌ها به خصوص یارانه‌های کالاهای اساسی و کشاورزی در مقایسه با اقشار مرفه جامعه.
- سرمایه‌گذاری انسانی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های استان به خصوص احداث جاده‌ها جهت توسعه ظرفیت‌های محلی تولیدی، اشتغال، درآمد و بنابراین کاهش فقر و نابرابری.
- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف توانمندسازی ساکنین مناطق محروم به نحوی که آن‌ها را قادر سازد وارد بازار کار شوند.
- توسعهٔ منابع اعتبارات خرد برای فعالیت‌های تولیدی و مولد و تسهیل دریافت این اعتبارات
- ایجاد واحدهای صنعتی و توسعهٔ مشاغل عمومی جهت جبران مشکلات ناشی از خشکسالی و جلوگیری از مهاجرت ساکنین مناطق آسیب دیده(به ویژه روستاییان)
- ارائهٔ تسهیلات ویژه در بخش کشاورزی برای مکانیزه کردن آب برای کشاورزان استان و ایجاد فرهنگ صرفه جویی و مدیریت آب در استان جهت جبران آثار خشکسالی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]

منابع و مآخذ

References

- باقری، فریده و کاوند، حسین (۱۳۸۵)، اندازه‌گیری شدت فقر در ایران: کاربرد شاخص SST، **فصلنامه علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی، سال پنجم، شماره ۲۰
- **بانک جهانی، فقر در ایران(۱۳۸۲)**، مترجمان: شیبانی، صابر و کردستانچی، منیرالسادات، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، تهران
- خالدی، کوهسار و پرمه، زورار، (۱۳۸۴) بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، **مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه**.
- راغفر، حسین و ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۶)، فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۳، **فصلنامه علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی، سال چهارم، شماره ۲۴
- راولیون، مارتین (۱۳۷۶)، **مقایسهٔ فقر**(ترجمه حمیدرضا اشرف‌زاده)، چاپ اول، تهران، وزارت جهاد سازندگی
- سن، آمارتیا(۱۳۸۲)، **در باب نابرابری اقتصادی**، چاپ اول، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
- طرازکار، محمدحسن و زیبایی، منصور(۱۳۸۳)، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد درجوامع روستایی و شهری (استانهای فارس، اصفهان و سمنان)، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۴۸
- عرب مازار، عباس و حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳)، برآورد میزان فقر و شدت آن در گروههای مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران، **مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۴۵
- عرب نژاد، مریم(۱۳۸۵)، **اثر رشد درآمد سرانه بر فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۵**-۱۳۶۳، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه الزهرا
- Foster. j,Greer,and thorbecke(1984),**A class of Decomposible Poverty measures**,Econometrica ,52,(1).
- Foster, j. Shorocks,AF (1988**), poverty ordening**. Econometrica,56 173-177.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2024-04-25]